آرمان ملی
armanmeli.ir
سال هشتم
شماره ۲۵۲۳
چهارشنبه
۲۰ • ۰۸ • ۱۴۰۵
۰۱ جمادی‌الثانی ۱۴۴۸ / ۱۱ نوامبر ۲۰۲۶

ذره بین

جواد لاریجانی در سودای کیسینجر شدن

## از پیش‌بینی‌های اشتباه تا اظهارات شاذ

هرچه در دنیای سیاست، علی لاریجانی را نماد عقلانیت معرفی می‌کنند، برادر بزرگ‌تر او و بزرگ‌ترین پسر آیت‌ا... میرزا هاشم آملی، یعنی محمدجواد لاریجانی، به اظهارات شاذ و جنجالی معروف است. خبرآنلاین نوشت؛ حضور مرتب او در رسانه ملی و تحلیل‌هایش در خصوص برجام، مذاکره با آمریکا و حتی جنگ اسرائیل و آمریکا علیه ایران، سبب شده‌اند که او همواره زیر تیغ انتقادات برود و هزینه‌های زیادی را در حوزه دیپلماسی برای کشور ایجاد کند. به بیان دیگر، محمدجواد لاریجانی در حالی یکی از مهمانان تکراری و همیشگی برنامه‌های صداوسیما است که جملات و اظهارات او بارها در صدر اخبار قرار گرفته است.

**تنش لفظی با ولایتی**

محمدجواد لاریجانی، بزرگ‌ترین پسر آیت‌ا... میرزا هاشم آملی متولد ۱۳۳۰ در عراق است. او تحصیلات خود را با رفتن به حوزه علمیه آغاز کرد و سپس برای تحصیل در رشته مهندسی برق به دانشگاه شریف رفت؛ پس از آن نیز برای ادامه تحصیل در رشته ریاضی به آمریکا رفت و از سال ۱۹۷۴ تا ۱۹۸۱ در دانشگاه کالیفرنیا تحصیل کرد. محمدجواد لاریجانی پس از بازگشت به ایران، زودتر از برادرش علی راه سیاست را در پیش گرفت و با حضور در انتخابات مجلس برای دوره‌های دوم، چهارم و پنجم راهی خانه ملت شد. همچنین او به عنوان معاون علی‌اکبر ولایتی، وزیر خارجه وقت دولت میرحسین موسوی، فعالیت می‌کرد؛ ولایتی نیز نقش زیادی در قطعنامه ۵۹۸ ایفا کرد. در این مورد، برخی‌ها از ناسازگاری او با ولایتی روایت کردند و از همین رو، چند ماه پس از پذیرش قطعنامه و پایان جنگ ایران و عراق از سمت خود کنار گذاشته شد. درباره اختلافات میان ولایتی و محمدجواد لاریجانی و تنش لفظی میان آنان، حرف و حدیث زیادی در رسانه‌ها منتشر شده که یکی از مهم‌ترین این تنش‌ها، زمانی رخ داده بود که جواد لاریجانی، ولایتی را «به خشکسالی فکری و عملی در دیپلماسی» متهم کرده بود. بعدها ولایتی هم مدعی شد که برکناری لاریجانی به درخواست وزارت اطلاعات بوده است. همچنین از جمله سمت‌هایی که لاریجانی بر عهده داشت، می‌توان به دبیر ستاد حقوق بشر قوه قضائیه و مرکز پژوهش‌های مجلس اشاره کرد. علاوه بر این‌ها، محمد مهاجری در مطلبی نوشته بود که جواد لاریجانی «به دامپروری و کشاورزی هم روی آورده و در جنوب شرقی استان تهران، صاحب ملکی بزرگ شده که مشهور است در آن شتر پرورش می‌دهد».

**شیطان و ناف ترامپ**

جواد لاریجانی جملات زیادی دارد که با آنها شناخته می‌شود؛ از «مذاکره با شیطان در قعر جهنم» گرفته تا مخالفت‌هایش با برجام، از پیش‌بینی عجیبش درباره سقوط نکردن بشار اسد تا اظهاراتش درباره هدف قرار دادن دونالد ترامپ پس از جنگ ۱۲ روزه: «می‌توانیم ناف ترامپ را مورد هدف قرار دهیم». گرچه محمدجواد لاریجانی زمانی که با اشاره به پیش‌بینی عجیب خود درباره حکومت بشار اسد گفت: «خود بشار اسد هم فکر نمی‌کرد آن شب سقوط کند»، برخی رسانه‌ها، از جمله عصر ایران، به اظهارات سال‌های دور او گریزی زدند و نوشتند: «همین جواد آقای لاریجانی اسفند ۱۳۶۹، یعنی ۳۴ سال قبل، در روزنامه اطلاعات و در یادداشتی که بندهای آن با یک، دو و سه تفکیک شده بود، نوشته بود: امکان ندارد آمریکا برای آزادسازی کویت به عراق حمله کند؛ اما وقتی روزنامه منتشر شد، آمریکا حمله کرده بود! اما آنچه این روزها باعث توجه دوباره رسانه‌ها و سیاسیون به محمدجواد لاریجانی شده، اظهارات اخیر او درباره خروج ایران از NPT و دکترین هسته‌ای کشور است. او زمانی که درباره تبیین دقیق مبانی فقهی فتوای رهبر شهید انقلاب درباره سلاح هسته‌ای سخن می‌گفت، با تفکیک میان کاربردهای نظامی فناوری هسته‌ای و هدف قرار دادن غیرنظامیان، گفت: «استفاده نظامی از فناوری هسته‌ای لزوماً به معنای ساخت بمبی برای انداختن بر سر مردم و کشتار جمعیت غیرنظامی نیست. حتی در حوزه تسلیحات نیز می‌توان درباره کاربردهای تاکتیکی و هدف قرار دادن مراکز و پایگاه‌های نظامی سخن گفت. ما می‌توانیم پایگاه نظامی‌ای را که از آن علیه کشورمان عملیات انجام می‌شود، هدف قرار دهیم؛ اما حمله به مردم غیرنظامی یا زیرساخت‌هایی که برای زندگی مردم ضروری است، موضوع دیگری است و با مبانی ما سازگاری ندارد». همچنین درباره خروج از پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای (NPT) در رسانه ملی گفت: «من با خروج فوری ایران از NPT موافق نیستم، اما معتقدم تعهدات ایران در این پیمان باید به‌طور جدی مورد بازنگری قرار گیرد. برخی بر این باورند که محمد جواد لاریجانی همواره در تلاش بوده تا برای خود جایگاهی در اندازه هنری کیسینجر، سیاستمدار و دیپلمات معروف آمریکایی بسازد، اما با وجود تجربه‌های دیپلماتیک خود، در رسیدن به چنین جایگاهی ناموفق بوده است.

«آرمان ملی» نگاه حاکمیت به شرایط کشور را بررسی می‌کند

# سناریوهای خروج از شرایط نه جنگ، نه صلح



**آرمان ملی- حمید شجاعی:** کشور در شرایط خاصی بسر می‌برد و نوعی بلاتکلیفی بر امورات کشور سایه انداخته است. به عبارتی عدم آگاهی از شرایط آینده اینکه قرار است جنگ شود یا ایران و آمریکا بر اساس مذاکراتی به توافق و صلح خواهند رسید باعث شده تا بسیاری نسبت به آینده‌ای نزدیک هم با دید بی‌اطلاعی و عدم آگاهی بنگرند و این پرسش همیشگی همواره همراه باشد که بالاخره چه خواهد شد؟ جنگ می‌شود یا صلح؟ چنین شرایطی که چندین ماه است بر کشور سایه افکنده را شرایط نه جنگ نه صلح می‌خوانند. شرایطی که تکلیف مشخص نیست و همه در مسیر آینده‌ای نامعلوم قدم برمی‌دارند. این وضعیت نه تنها بر نوع نگاه جامعه و حاکمیت تاثیر گذاشته بلکه شرایط اقتصادی را به شدت تحت تاثیر قرار داده است. چنانکه هر روز در حوزه‌های مختلف به ویژه کالاهای اساسی و کالاهای مصرفی با افزایش بی‌رویه قیمت‌ها مواجهیم و کارشناسان امر این رشد بی‌رویه را ناشی از همین شرایط می‌دانند. این در حالی است که عده‌ای معتقدند کشور ماه‌ها است از شرایط نه جنگ، نه صلح خارج شده و اتفاقاتی که طی ماه‌های اخیر حول محور مسائل ایران و آمریکا رخ داده شرایط را به هم جنگ هم صلح تغییر داده است. چنانکه از سوی شاهد محاصره اقتصادی و دریایی ایران از سوی آمریکایی‌ها هستیم و هر از چندی نیز حملاتی را جسته گریخته به مناطق مرزی ایران می‌کنند و به عبارتی جنگ اقتصادی و نظامی را کلید زدند و از طرف دیگر نیز مدام با پیش کشیدن ماجرای احتمال توافق و ماجرای میانجی‌گری از سوی کشورهای مختلف شرایط احتمالی توافق را نیز مطرح می‌کنند و به بیان دیگر ایران را در شرایط بلاتکلیفی قرار داده‌اند و به نظر می‌رسد که به دنبال طولانی‌تر کردن این شرایط و فشار به ایران باشند و تا منافع بیشتری از این شرایط کسب کنند. مروری بر مواضع هیأت حاکمه آمریکا دقیقا نشان از چنین رویکردی دارد. در چنین شرایطی چندی پیش رهبر انقلاب در دیدار سرلشکر محسن رضایی، دبیر شعام، ضمن تأکید بر تقویت انسجام و وحدت ملی، استفاده از ظرفیت‌های قانون اساسی، مدیریت تنگه هرمز و تحکیم روابط با کشورهای همسایه، بر پیگیری تأمین حقوق و منافع ملت ایران و جبهه مقاومت از طریق تحقق شروط مطرح شده برای پایان جنگ و خاتمه دادن به شرایط «نه جنگ، نه صلح» تأکید کردند. موضوعی که نشان می‌دهد پایان جنگ، در این چارچوب، صرفاً به توقف درگیری‌های نظامی محدود نیست و با ضرورت ایجاد ترتیباتی پایدار برای تأمین منافع و امنیت ملی ایران ارتباط دارد. در همین راستا نیز قوای مختلف بر همین دستور رهبری تاکید کردند و پیگیری آن را در دستور قرار دادند. چنانکه محمدباقر قالیباف، رئیس مجلس با تأکید بر ضرورت جلوگیری از خطای محاسباتی مسئولان گفت: «باید به نقطه‌ای برسیم که از چرخه تکرار جنگ و صلح خارج شویم و تصمیم‌گیری‌ها بر مبنای محاسبات دقیق باشد». همچنین مسعود پزشکیان، رئیس جمهور نیز در مقاطع مختلف بر همین نکته تاکید کرده است. چنانکه دوشنبه با اشاره به توطئه‌های دشمنان برای ضربه زدن به ایران، گفت: «مقام معظم رهبری دستور دادند وضعیت نه جنگ نه صلح را پایان دهیم. ما می‌توانیم با عزت گفت‌وگو کنیم و با عزت موضوع را تمام کنیم. ما اهل گفت‌وگو و مذاکره هستیم و منطق حکم می‌کند، اگر می‌توانیم حق خود را با گفت‌وگو بگیریم، خودمان را درگیر جنگ نکنیم، اما در مقابل زور و قلدری هم تسلیم نخواهیم شد». همگرایی سران قوا و مسئولان با یکدیگر در این مسیر نشان دهنده عزم همه برای خروج از این شرایط است اما چگونه و با چه سازوکاری جای تامل دارد.

**۲ سناریوی خروج**

خروج از شرایط نه جنگ نه صلح و بلاتکلیفی اقدام بسیار معقول و درستی است، اما پرسش این است که این رویه عملا چگونه امکان پذیر خواهد بود؟ قدر مسلم برای این اقدام دو سناریو در دستور کار قرار خواهد گرفت که هریک به فراخور شرایط و موقعیت می‌تواند فضا را برای خروج از شرایط نه جنگ، نه صلح هموار سازد. سناریوی نخست مذاکره و رسیدن به توافق با طرف مقابل که از آن به عنوان کم هزینه‌ترین راه یاد می‌شود. رویکردی که از چند هفته پیش به صورت متناوب و با تحرکات میانجی‌ها پی گرفته شده است و طی خبرهای تازه‌ای که در رسانه‌ها منتشر شده احتمال توافقاتی بین تهران و واشنگتن رخ دهد. این در حالی است که چندی پیش رئیس جمهور با اشاره به تلاش برای حل مشکلات با گفت‌وگو گفت: «رهبری عزیز هم اختیاراتی مجدداً اضافه دادند در مورد موضوعاتی که نظرشان این بود و می‌گفتند درباره آنها گفت‌وگو نشود، مذاکره شود. در این جنگ کسی منفعت نخواهد برد». به نظر می‌رسد که اولویت خروج از شرایط نه جنگ، نه صلح با مذاکره است و همین افزایش اختیارات از سوی رهبر انقلاب به رئیس جمهور نشان از همین امر دارد که احتمالا مذاکره با دست بازتری صورت گیرد شاید در نهایت گره مذاکره با طرف مقابل در جایی باز شود و توافقی حاصل شود. با این حال همان اندازه که امید می‌رود توافق یا تفاهم طرفینی میان ایران و آمریکا با میانجی‌گری کشورهای منطقه‌ای یا فرامنطقه‌ای فراهم شود و به همان میزان نیز می‌توان انتظار داشت که مذاکره یاه جایی نرسد و دوباره آستانه تنش بالا گرفته و طرفین به سمت آرایش جنگی بروند. اما تلاش‌ها در جهت رسیدن به توافق بیش از جنگ است و می‌توان کورسوی امیدی در این مسیر مشاهده کرد.

**از اجماع تا اصلاح رسانه‌ای**

نکته مهم دیگری که در این حوزه نباید از آن به سادگی گذاشت ابعاد رسانه‌ای این موضوع است. این درست که در حوزه تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی قوه عاقله‌ای وجود دارد که تصمیماتی بر مبنای منافع ملی اتخاذ می‌کند و در همین خصوص نیز روز گذشته فاطمه مهاجرانی سخنگوی دولت در نشست خبری اظهار کرد: «رئیس جمهور در این زمینه بسیار فعال هستند و هم پیگیری‌های جدی دارند تا استیفای حقوق مردم ایران از طریق دستیابی به صلحی پایدار و عزتمندانه محقق شود. وزارت امور خارجه نیز به‌عنوان نهاد اصلی دیپلماسی کشور، همکاری بسیار خوبی با محمدباقر قالیباف دارند و این مسیر با اجماع کامل ملی در حال پیگیری است»، اما باید به بعد رسانه‌ای این موضوع نیز توجه کرد. نمی‌توان در در سطوح بالای حاکمیت و قوه عاقله کشور تصمیمات درست اتخاذ کرد، اما در عین حال در رسانه مخالف آنچه قوه عاقله تصمیم‌گیری شده بحث شود. لذا به نظر می‌رسد همزمان با این دست تصمیمات در جهت خروج از شرایط نه جنگ و نه مذاکره باید رسانه‌هایی چون صداوسیما را توجیه و همراه کنند تا پالس منفی و مخالفی با تصمیمات نظام بیرون ندهد.

«آرمان ملی» گزارش العربیه را بررسی می‌کند

# عقب‌نشینی ترامپ در برابر ایران

**آرمان ملی- مرتضی خبازیان:** در حالی که منطقه همچنان آبستن افزایش تنش است و به موازات تحرک میانجی‌ها برای کاهش تنش و نزدیک کردن ایران و آمریکا به یکدیگر برای رسیدن به یک توافق راضی‌کننده و پایدار، شبکه العربیه گزارش داده است که منابعی اعلام کرده‌اند واشنگتن و تهران ممکن است توافق اولیه‌ای را امضا کنند که بر اساس آن موضوع غنی‌سازی به رسمیت شناخته شود. اگر این خبر درست باشد که تازمان تنظیم این گزارش خبری از تاکید یا تکذیب آن مخابره نشده، بدون تردید به معنای پیروزی ایران در برابر ترامپ و نتانیاهو خواهد بود. پیروزی چشمگیری که فقط با در نظر گرفتن ابعاد جنایت دشمن قابل درک است.

**پیروزی در پیچیدگی**

در جهان پیچیده و چندوجهی امروز، شکست و پیروزی چطور تعریف می‌شود؟ هر کشوری بر منافع ملی خود تاکید دارد و ایران هم چنین کرده است. در برابر زیاده‌خواهی قدرت‌های زورگو ایستاده و اظهار کرده است که خود درباره امکانات و سیاست‌هایش تصمیم می‌گیرد و در عین حال پیوسته تاکید کرده است که می‌تواند زمینه لازم را برای کاهش نگرانی‌ها فراهم کند. در مقابل آمریکا به واسطه تاثیری که از اسراییل می‌گیرد، نگاه دیگری به اظهارات صلح‌طلبانه ایران داشته است. در برجام دو طرف به توافقی دست یافتند که به تصریح موافق و مخالف، یکی از موثرترین توافقات بین‌المللی برای کاهش تنش بوده است. این داستان با آمدن ترامپ به کاخ سفید به مسیر دیگری افتاد. اتفاقات منطقه هم مزید بر علت شد تا جناح جنگ‌طلب در کاخ سفید تحت تاثیر لابی صهیونیستی قرار بگیرد و در نهایت حمله صورت گرفت. قبل از آن ایران بارها تلاش کرده بود سایه جنگ را از سر کشور دور کند اما ترامپ و نتانیاهو نشان دادند که خود را به هیچ اصل پذیرفته شده‌ای مقید نمی‌دانند. در ماجرای بازدید بازرسان، ایران بارها اعلام کرده بود که تا قبل از تهیه روش بازرسی اجازه این کار را نخواهد داد و درست زمانی که در مصر با آژانس به توافق رسید، اروپایی‌ها هم در کنار ترامپ قرار گرفتند تا نشان دهند در برابر ترامپ از خود کوچکترین استقلالی ندارند.

**عقب‌نشینی ترامپ**

برای فهم اهمیت این تحول باید به نقطه آغاز اختلاف بازگشت. یکی از اصلی‌ترین خواسته‌های دولت ترامپ در مواجهه با برنامه هسته‌ای ایران، توقف کامل غنی‌سازی بود. در واقع واشنگتن تلاش داشت موضوع غنی‌سازی را از یک حق مورد مناقشه در چارچوب مذاکرات هسته‌ای به امتیازی تبدیل کند که ایران باید برای رسیدن به توافق از آن صرف‌نظر کند. این مطالبه در شرایطی مطرح می‌شد که ایران بارها اعلام کرده بود اصل برخورداری از فناوری غنی‌سازی را قابل مذاکره نمی‌داند، هرچند درباره سطح غنی‌سازی، میزان ذخایر و سازوکارهای نظارتی آمادگی گفت‌وگو دارد. اگر روزی طرف مقابل انتظار داشت که ایران از این حق پذیرفته شده در حقوق بین‌الملل صرف نظر کند، به به راه‌انداختن دو جنگ ناجوانمردانه برای از بین بردن تاسیسات هسته‌ای ایران، موضوع با حیثیت ملی گره خورد و بعد از آن ایران نشان داد تا خروج از NPT هم توانایی ایستادن بر دیدگاه خود را دارد و اگر چنین تصمیمی در سطح سران گرفته شود، جریان‌های سیاسی هم آن را خواهند پذیرفت. از این منظر، پذیرش غنی‌سازی توسط ایران، حتی اگر با محدودیت‌های فنی و نظارتی همراه باشد، تفاوتی اساسی با مطالبه غنی‌سازی صفر دارد. این موضوع همانی است که در توافق برجام نیز برای غنی‌سازی ایران در نظر گرفته شده بود و ترامپ در دوره نخست ریاست جمهوری خود از آن خارج شد. بنابراین اگر دولت او اکنون به چنین چارچوبی بازگردد، با نوعی بازگشت به نقطه‌ای مواجه هستیم که واشنگتن پیش‌تر آن را نپذیرفته بود. با توجه به خوی کاسبکارانه ترامپ احتمالا متوجه خواهد شد که از زمان خروج از برجام تاکنون، او فقط و فقط برای آمریکا هزینه تراشی کرده است.

**فشار آمریکایی**

البته پیروزی در یک منازعه را نمی‌توان صرفاً با میزان خسارات واردشده یا توان نظامی طرفین سنجید. یکی از معیارهای مهم، مقایسه اهداف اعلام‌شده در ابتدای منازعه با آن چیزی است که در پایان آن به دست می‌آید. اگر هدف آمریکا متوقف کردن کامل غنی‌سازی ایران بوده و در نهایت به ادامه آن در خاک ایران رضایت دهد، در تحقق این هدف مشخص با نتیجه‌ای متفاوت از خواسته اولیه خود روبه‌رو شده و چنین تحولی معنایی جز پیروزی برای ایران نخواهد داشت. اهمیت آن زمانی بیشتر می‌شود که به فشارهای نظامی و اقتصادی ماه‌های گذشته توجه کنیم. حمله نظامی، تحریم‌ها و محاصره دریایی، همگی ابزارهایی بودند که واشنگتن برای افزایش هزینه مقاومت ایران و وادار کردن تهران به پذیرش خواسته‌های خود به کار گرفت. با این حال، اگر نتیجه این فشارها حفظ اصل غنی‌سازی در داخل ایران باشد، نمی‌توان از کنار این واقعیت به سادگی عبور کرد که ابزارهای فشار آمریکا نتوانسته‌اند خواسته‌های این کشور را محقق کنند.

**پیروزی نمادین**

گزارش العربیه از مطالبه آمریکا برای کاهش ذخایر اورانیوم ۶۰ درصدی، مشارکت احتمالی کشور ثالث در این فرایند و بازگشت بازرسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی نیز حکایت دارد. همچنین هنوز درباره جزئیات و دامنه تعهدات طرفین توافق رسمی اعلام نشده است. بنابراین آنچه فعلاً می‌توان از آن سخن گفت، دستاوردی احتمالی در حفظ اصل غنی‌سازی است و تا تحقق تمام مطالبات ایران هنوز گام‌هایی باید برداشته شود. بخش دیگری از اهمیت پیشنهادگزارش‌شده به آزادسازی بخشی از دارایی‌های ایران برمی‌گردد. بر اساس گزارش، آزادسازی ۶ تا ۹ میلیارد دلار از دارایی‌های مسدودشده ایران، بازگشایی تنگه هرمز و رفع محاصره دریایی نیز در چارچوب احتمالی همین توافق مطرح شده‌اند. تحقق این موارد می‌تواند به معنای تبدیل دستاورد احتمالی هسته‌ای به امتیازات اقتصادی و راهبردی باشد. اگر مسیر کنونی مذاکرات به نتیجه برسد، معنای آن صرفاً دستیابی به یک توافق هسته‌ای نخواهد بود. ایران در شرایطی که با فشارهای نظامی و اقتصادی مواجه بوده، موفق شده است اصل غنی‌سازی را به‌عنوان یکی از موضوعات اصلی مذاکرات حفظ کند. این همان نقطه‌ای است که می‌تواند مبنای ارزیابی دستاورد ایران در این منازعه قرار گیرد. پیروزی در چنین شرایطی به این معناست که طرفی که خواهان تحمیل یک خواسته حداکثری بوده، در نهایت ناچار شود با بخشی از واقعیت‌ها و مطالبات طرف مقابل کنار بیاید و وقتی طرف مقابل فرد فاقد اصول مانند ترامپ باشد، این پیروزی ارزش نمادینی برای همه کشورها خواهد داشت. به گزارش شبکه تلویزیونی العربیه، منابعی اعلام کرده‌اند که واشنگتن و تهران ممکن است توافق اولیه‌ای را امضا کنند که بر اساس آن، سطح غنی‌سازی اورانیوم در ایران به ۳.۶۷ درصد محدود خواهد شد. به گفته منابع العربیه، طرف آمریکایی با انجام غنی‌سازی اورانیوم در ایران تا سطح تعیین‌شده موافقت کرده و تهران نیز این شرط را پذیرفته است. در عین حال، ایالات متحده تأکید دارد که کاهش سطح غنی‌سازی ذخایر اورانیوم ایران که به ۶۰ درصد رسیده است ضروری است. منابع العربیه افزودند که برای حل این مسئله، طرفین در حال بررسی امکان مشارکت یک کشور ثالث هستند. در صورت دستیابی به توافق با تهران، ممکن است واشنگتن دارایی‌های مسدودشده ایران به ارزش ۶ تا ۹ میلیارد دلار آمریکا را آزاد کند.

گزارش

سخنگوی دولت مطرح کرد

## نرخ بنزین تغییر نمی‌کند

سخنگوی دولت با اشاره به گذشت یک سال از اجرای نظام پرداخت کالابرگ، این طرح را یکی از تصمیم‌های مهم دولت برای حفظ قدرت خرید مردم در شرایط دشوار اقتصادی دانست و اظهار داشت: تاکنون بیش از ۸۶۵ هزار میلیارد تومان (معادل ۸۶۵ همت) برای کالابرگ تامین اعتبار و پرداخت شده است. فاطمه مهاجرانی به شرایط دشوار اقتصادی کشور در فاصله میان دو جنگ تحمیلی اخیر و همزمان آغاز اجرای این طرح اشاره کرد و گفت: سال گذشته، در همین روزها و در میانه فضایی که به فرموده رهبر شهید «نه جنگ نه صلح» بود، مساله تامین معیشت مردم به صورت بسیار جدی در دستور کار دولت و حاکمیت قرار گرفت. موضوع ارز ترجیحی به‌عنوان یکی از تصمیم‌های جدی دولت مطرح بود؛ انتقال ارز ترجیحی از ابتدای زنجیره به انتهای زنجیره و تبدیل کالابرگ به یکی از راهکارهای حمایت از معیشت مردم، از جمله اقداماتی بود که دولت در این زمینه دنبال کرد. وی با تاکید بر اینکه اجرای این طرح تصمیمی، مهم و ضروری بود، افزود: کشور با یک تصمیم سخت مواجه بود و لازم بود قدرت خرید مردم حفظ شود. مهاجرانی با اشاره به تامین و پرداخت بیش از ۸۶۵ همت برای کالابرگ، تصریح کرد: باید به این نکته توجه کنیم در سالی که ۲ جنگ را پشت سر گذاشتیم و به‌شدت درگیر محاصره اقتصادی هستیم، با شرایطی مواجه هستیم که شما فعالان رسانه‌ای با ابعاد آن به خوبی آشنایی دارید. در چنین شرایطی، به‌راحتی و با کمال وقاحت، کشور را به فروپاشی کامل اقتصادی تهدید می‌کنند. وی اضافه کرد: در چنین شرایطی، دولت به لطف خداوند توانسته است اقدامات خوبی در زمینه حفظ قدرت خرید مردم انجام دهد، البته این اقدامات به هیچ‌عنوان نافی مشکلات و کمبودها نیست. دولت تمام مشکلات را می‌پذیرد و از آن آگاه است، تلاشی هم که رئیس جمهور پزشکیان انجام می‌دهند تا بتوانیم به سمت فضایی عزتمندانه و صلحی پایدار حرکت کنیم، در همین راستاست. سخنگوی دولت همچنین با اشاره به مطالبات باقی‌مانده در حوزه کالابرگ بیان کرد: مطالباتی مرتبط با کالابرگ وجود داشت که ۵۰ همت از آن پرداخت شده و ۴۰ همت دیگر نیز طی هفته آینده پرداخت خواهد شد. امیدواریم با تصمیم‌هایی که در حوزه کالابرگ گرفته می‌شود، بتوانیم قدرت خرید مردم را به درستی حفظ کنیم. وی با تشریح وضعیت ناترازی گاز کشور، عنوان کرد: مفهوم ناترازی به تفاوت میان جریان عرضه و جریان تقاضا اشاره دارد. این تفاوت در سال‌های گذشته حدود ۳۰۰ میلیون مترمکعب بوده است، اما حملات دشمن به کشور و آسیب دیدن پالایشگاه‌های گازی، موجب شد ۲۳۰ میلیون مترمکعب دیگر نیز از ظرفیت کاسته شود. سخنگوی دولت افزود: با احتساب تلاش‌هایی که همکاران ما در صنعت نفت و گاز در حال انجام آن هستند، امیدواریم بتوانیم ۱۰۰ میلیون مترمکعب دیگر از این ظرفیت را به مدار بازگردانیم. مهاجرانی با اشاره به پیش‌بینی ناترازی ۴۳۰ میلیون مترمکعبی گاز از یک سو و پیش‌بینی‌های هواشناسی و آمادگی دستگاه‌ها برای مدیریت شرایط زمستانی از سوی دیگر، اظهار کرد: در زمینه بازسازی تاسیسات، اقداماتی شروع شده است اما برخی از شهرها در انتهای شبکه گازرسانی قرار دارند، از جمله استان‌های شمالی، به‌ویژه استان‌های شمال شرقی، ازاین‌رو پیش‌بینی می‌کنیم که با افت فشار شبکه مواجه شویم. اگر میزان مصرف در تهران، خدای ناکرده، افزایش پیدا کند، این احتمال وجود دارد که گاز در تهران نیز مانند سایر نقاط کشور با محدودیت و قطع مواجه شود.

**نرخ بنزین تغییر نمی‌کند**

مهاجرانی با تاکید بر ثبات قیمت بنزین در سهمیه‌های موجود، بیان کرد: قیمت بنزین ۱۵۰۰ و ۳۰۰۰ تومانی تغییری نخواهد کرد و اگر قرار باشد در هر رده‌ای تغییری صورت گیرد، حتما پیش از آن با مردم گفت‌وگو خواهد شد. وی تاکید کرد: هرگونه افزایش درآمد که از هر منبعی و در نتیجه اصلاحات ساختاری حاصل شود، به‌طور کامل صرف معیشت مردم و تأمین منابع کالابرگ خواهد شد. سخنگوی دولت در پاسخ به پرسش «آرمان ملی» در خصوص تاب آوری ملی و و ظیفه دولت و حاکمیت در افزایش تاب آوری جامعه با تاکید بر اینکه تاب‌آوری صرفا به مسائل اقتصادی محدود نمی‌شود، اظهار کرد: تاب‌آوری اجتماعی نیز بخش مهمی از این مفهوم است و به رسمیت شناختن سلایق مختلف، در کنار یکدیگر ایستادن، مدارا و رواداری از جمله اصولی هستند که می‌توانند تاب‌آوری اجتماعی را افزایش دهند. از آنجا که تاب‌آوری حاصل رفتار مردم است، حاکمیت و به‌طور مشخص قوه مجریه نیز در این زمینه مسئولیت‌هایی بر عهده دارند. وی ادامه داد: پایداری تامین کالاهای اساسی و دارو، حفظ مبادی ورودی و خروجی کشور، تقویت ذخایر راهبردی و تسهیل ترخیص کالا از گمرکات، از جمله وظایف دولت برای فراهم کردن شرایط مناسب فعالیت بخش خصوصی است. سخنگوی دولت با قدردانی از فعالان بخش خصوصی کشور، گفت: بخش خصوصی در ایام جنگ نیز با تمام توان پای ایران ایستاد و با وجود اینکه ماهیت فعالیت آن بر مبنای سودآوری است، فعالان این بخش بدون محاسبه سود و زیان، رفتار متفاوتی از خود نشان دادند. لازم می‌دانم از تریبون سخنگویی از فعالان بخش خصوصی که پای ایران ایستادند، قدردانی کنم. مهاجرانی همچنین تسهیل فعالیت کامیون‌داران و عبور و مرور آنان، تسهیل واردات مواد اولیه و رفع موانع ارزی را از دیگر موضوعات مهم در حوزه اقتصادی برشمرد. وی با تاکید بر ضرورت تقویت همبستگی اجتماعی، اظهار کرد: در حوزه تاب‌آوری اجتماعی باید در کنار یکدیگر بایستیم. همان‌گونه که آن دختر عزیزی که دیگران پوشش او را قبول نداشتند، داغدار رهبر شهید، کودکان میناب، ورزشکاران لامرد و ناو دنا بود، باید همچنان در کنار یکدیگر و برای ایران عزیزمان بایستیم.